



# جامعه‌شناسی رمان

## از نظرگاه گلدمن

پی. پرو. زیبا  
ترجمه محمد پوینده

«رمان، حماسه‌ای ذهنی است که نویسنده در آن می‌خواهد جهان را به شیوه‌ی خاص خود ترسیم کند. بدین ترتیب فقط دانستن این نکته باقی می‌ماند که آیا او چنین شیوه‌ای را داراست؟ بقیه‌ی امور ابهامی ندارد». این کلمه‌ی قصار گوته که نظریه‌های زیبایی‌شناختی هگل مؤید آن است، پیشاپیش، پیام‌آور نظریه‌ی رمان گئورگ لوکاچ است. لوکاچ در این کتاب جهان حماسه را که با وحدت (یا به گفته‌ی گلدمن با اتحاد و اشتراک<sup>۱</sup>) قهرمان و واقعیت مشخص می‌شود، در مقابل جهان ارزش‌ساخته‌ی رمان قرار می‌دهد، جهانی که در واقعیت امر، در جامعه‌ی فردگرا<sup>۲</sup>، پس از عزیمت خدایان و پس از محو اجتماع باستانی و فئودالی، معنای خود را از دست داده است: «رمان، حماسه‌ی جهان بی‌خداست، نفس‌انیات قهرمان رمانی، اهریمنی است، عینیت رمان مبتنی بر این ملاحظه‌ی استوار و سنجیده است که معنا<sup>۳</sup> هیچ‌گاه نمی‌تواند در جایی از واقعیت رسوخ کند، و با این همه، واقعیت، بدون معنا، در برابر نیستی<sup>۴</sup> و عدم ذاتیت<sup>۵</sup> از پای درخواهد آمد» (گ. لوکاچ، نظریه‌ی رمان، ص ۸۴). بنابراین، معنای رمانی در درون آدمی<sup>۶</sup>، در ذهنیت قهرمانی که در پی یافتن خویشتن خویش و ارزشهای راستین<sup>۷</sup> برآمده، نهفته است: «رمان، قالب حادثه است، قالبی متناسب ارزش خاص دنیای درون آدمی...» (همان اثر، ص ۸۵). دنیای درونی قهرمان رمانی (دُن کیشوت، ویلهلم مایستر) پیامد دوگانگی<sup>۸</sup> میان قهرمان و جهان است که در دنیای حماسی اتحاد و اشتراک [فرد و جهان] موجود نیست.

در جامعه‌شناسی گلدمنی این دوگانگی با محو ارزشهای کیفی در جامعه‌ی بورژوا و فردگرا

که مبتنی بر تولید برای بازار است، توضیح داده می‌شود. این ارزشهای کیفی که از ارزش مصرف<sup>۹</sup> در اقتصاد جدایی‌ناپذیرند، در دل نظامی اقتصادی که تابع ارزش مبادله است، جنبهٔ ضمنی پیدا می‌کنند. ارزشهای راستین که در واقعیت بیرونی - واقعیت تباه<sup>۱۰</sup> - نایافتنی هستند، همچنان در عرصهٔ درون آدمی جست‌وجو می‌شوند اما در آن‌جا نیز از «میانجی تباه‌گری که بر مجموعهٔ ساختار اجتماعی، تأثیر عام دارد»<sup>۱۱</sup> در امان نیستند. بنابراین آنانی که به جستجوی ارزشهای راستین برمی‌آیند، از آن‌جا که نمی‌توانند از تأثیرات تباه‌ساز میانجی ارزش مبادله،<sup>۱۲</sup> یعنی شیء‌وارگی<sup>۱۳</sup> رهایی یابند، «افرادی پروبلماتیک»<sup>۱۴</sup> هستند. . .

با انسان پروبلماتیک در جامعهٔ فردگرا که اسیر شیء‌وارگی (اسیر میانجی ارزش مبادله) است، قهرمان رمانی در عرصهٔ زیبایی‌شناختی انطباق دارد. این قهرمان شخصیتی است «اهریمنی»<sup>۱۵</sup> که با جست‌وجوی همیشگی ارزشهای راستین مشخص می‌شود. گلدمن می‌نویسد: «به نظر ما فرم رمانی در واقع برگردان زندگی روزمره در عرصهٔ ادبی است، برگردان زندگی روزمره در جامعهٔ فردگرا که زادهٔ تولید برای بازار است»<sup>۱۶</sup>. خصلت تباه این جست‌وجو، جنبه‌ای اهریمنی را که قهرمان رمان به خود می‌گیرد - این قهرمان یا ابلهی است مانند دُن کیشوت یا جنایتکاری همانند ژولین سورل<sup>۱۷</sup> - و نیز طعنی را که نویسنده (سروانتس) برای فاصله گرفتن از جست‌وجوی واهی به کار می‌بندد، بیان می‌کند.

در رمان، درست مانند واقعیت اجتماعی، ارزشهای راستین (ارزشهای کیفی، ارزشهای مصرف) ضمنی هستند: این ارزشها در واقعیتی که به تمامی زیر سلطهٔ ارزش مبادله‌ای درآمده که همهٔ انسانهای «غیرپروبلماتیک» به آنها می‌گیرند، به طور بی‌واسطه دیدنی نیستند. گلدمن از این امر نتیجه می‌گیرد که رمان در مقام آفرینش انتقادی ممکن نیست به آگاهی جمعی<sup>۱۸</sup>، به جهان‌نگری هیچ گروه اجتماعی پیوند داده شود. رمان، جست‌وجوی فردی ارزشهای فوق فردی<sup>۱۹</sup> غایب (ارزشهای راستین و کیفی) است. «آن فرم رمانی که ما بررسی کردیم، در اساس انتقادی و مقابله‌گراست»<sup>۲۰</sup>. و ادبیات رمانی و چه بسا آفرینش شاعرانهٔ مدرن و نقاشی معاصر، صورتهای راستین آفرینش فرهنگی هستند بی‌آنکه بتوان آنها را به آگاهی - حتی به آگاهی ممکن<sup>۲۱</sup> - گروه اجتماعی خاصی پیوند داد<sup>۲۲</sup>. رمان با وجودی که پیوندی تنگاتنگ با فردگرایی بورژوازی دارد، بیش از آنکه بیان جهان‌نگری بورژوازی باشد، به انتقاد از این طبقه می‌پردازد.

گلدمن با پذیرش این موضع، مقدمات ساختگرایی تکوینی<sup>۲۳</sup> (فاعل فوق فردی، جهان‌نگری) را آشکارا تغییر می‌دهد و مفهوم محوری زیبایی‌شناسی منفی<sup>۲۴</sup> آدورنو<sup>۲۵</sup>، مفهوم «جانشین»<sup>۲۶</sup> را می‌پذیرد که بر طبق آن، هنرمند نمایندهٔ عامل تاریخی غایب (نمایندهٔ پرولتاریا) و ارزشهای راستین اوست. با این‌همه گویی این دگرگونی روش‌شناختی نه حاصل پژوهشهای زیبایی‌شناختی مشخص، بلکه نتیجهٔ شک و تردیدهای دیالکتیک درون ذاتی<sup>۲۷</sup> نسبت به حضور عاملی انتقادگر در واقعیت معاصر است. گلدمن در بررسی آثار آندره مالرو امکان برقراری پیوند

میان جهان رمانی نویسنده و یک گروه اجتماعی در دوره مورد بحث را در نظر می‌گیرد و در کتاب ساختارهای ذهنی و آفرینش فرهنگی می‌نویسد: «به نظر ما آثاری مانند نخستین رمانهای مالرو و نخستین رمانهای رب - گری به را باید چونان برگردان ادبی جهان‌نگریهای این گروه - کارگران آثارشیست سندیکالیست و روشنفکران - بررسی کرد. . .». علاوه بر این، گلدمن در جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان) ضمن پذیرش این نکته که آثار بالزاک (و نیز آثار استاندال) را می‌توان بیان جهان‌نگری بورژوازی بالنده به حساب آورد، به نظر می‌رسد که پیوند میان نوع (ژانر) رمانی و آگاهی جمعی را پذیرفته است، همان پیوندی که چندین پژوهشگر مارکسیست از جمله ژان کوت - در مورد روسون کروژوه و بورژوازی لیبرال انگلستان - و گنورگ لوکاج در مورد ودر اثر گوته<sup>۲۸</sup> - برقرار کرده‌اند.

گلدمن به رغم این امتیازهایی که به مفهوم فاعل فوق فردی<sup>۲۹</sup> (جمعی) می‌دهد، تحول رمان را به موازات سرنوشت فرد در جامعه سرمایه‌داری بررسی می‌کند و سه مرحله را متمایز می‌سازد. مرحله اول: سرمایه‌داری آزاد که با خیزش فردگرایی مبتنی بر اصل آزادی عمل (عدم مداخله)<sup>۳۰</sup> و اقدام و ابتکار فردی مشخص می‌شود. مرحله دوم: پیدایش سرمایه‌داری انحصارها (در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) که «حذف هرگونه اهمیت اساسی فرد و زندگی فردی در درون ساختارهای اقتصادی، و در نتیجه در مجموعه زندگی اجتماعی رادر پی دارد»<sup>۳۱</sup>. مرحله سوم: تکامل نظامهای دخالت دولتی و ساخت و کار<sup>۳۲</sup> های تنظیم خودکار<sup>۳۳</sup> که به حذف هر نوع ابتکار فردی یا گروهی می‌گیرند. این زمان پیدایش سرمایه‌داری سازمان‌یافته دولتی و جامعه دستکاری شده<sup>۳۴</sup> است.

با نخستین مرحله، رمان فرد پرولماتیک، رمان فلوربر، استاندال، گوته، بالزاک و دیگران انطباق دارد. دومین مرحله با محو قهرمان پرولماتیک در رمانهای جویس<sup>۳۵</sup>، موزیل<sup>۳۶</sup>، پروست، کافکا، سارتر، مالرو، کامو و ناتالی ساروت<sup>۳۷</sup>، مشخص می‌شود. و سرانجام سومین مرحله، دوره محو قهرمان در رمان نو<sup>۳۸</sup> (آثار رب - گری به<sup>۳۹</sup>) است که گلدمن به بررسی آن پرداخته است.

رمانهای آندره مالرو - که گلدمن به تفصیل آنها را بررسی می‌کند - به دومین مرحله تکامل سرمایه‌داری تعلق دارند و از همان آغاز، مسائل به هم پیوسته تباهی ارزشهای کیفی در جامعه بورژوایی (در قلمرو فارفلو<sup>۴۰</sup>) و محو فرد را که در پی یافتن ارزشهای راستین برآمده است، مطرح می‌کنند.

دوران حذف فرد در عین حال زمانه سلطه ایدئولوژیها بر ارزشهای فردی است. و چه بسا به همین علت است که گلدمن در بررسی رمانهای مالرو روشی شبیه اسلوبی که در اثر خود درباره گومبروویچ از آن استفاده کرده، به کار می‌بندد. او در پی برقراری مناسبات میان تحول اثر و دگرگونیهای تاریخی است که در مورد مالرو همان دگرگونیهایی هستند که حزب کمونیست آن

دوران از سر می‌گذرانند. گلدمن تنها در پایان این بررسی است که - ضمن تصدیق نزدیکی میان نگرشهای مالرو و سارتر به موضوع مرگ - از امکان تأثیر عوامل جمعی به طور مشخص سخن می‌گوید.

آثار مالرو که بر پایهٔ زیربنای مسلکی<sup>۲۱</sup> تحول کمونیسم طرح‌ریزی گشته، در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات به چهار مرحله تقسیم شده است. طی مرحلهٔ نخست، مرحلهٔ وسوسهٔ غرب<sup>۲۲</sup>، ماه‌های کاغذی<sup>۲۳</sup> و قلمرو فارفلو نویسنده با تأکید بر «مرگ خدایان و فروپاشی جهانگستر ارزشها» فقدان ارزشهای کیفی در اروپای غربی را خاطر نشان می‌سازد. به نظر گلدمن، نگرش منفی مالرو و تأکید او بر فقدان ارزشهای معتبر، خصلت غیررمانی سه نوشتهٔ نخست او را که یا مقاله‌اند (وسوسهٔ غرب) و یا «داستانهای خیالی و تمثیلی» نشان می‌دهد. تا هنگامی که این نویسنده ارزشهای مثبت - هر چند تردیدآمیز - را نپذیرفته، نمی‌تواند رمان بیافریند. اما نگرشی که در نخستین نوشته‌های مالرو نمایان می‌شود به تمامی منفی است: «بار نخست جهان بر نویسندگان چیره شده بود، بار دوم نویسندگان بر جهان پیروز می‌شوند، اما در هر دو مورد، پیروزی بی‌معناست، زیرا فاتحان و مغلوبان همزمان در مرگی جهانگستر از پای درمی‌آیند»<sup>۲۴</sup>. «قلمرو فارفلو» یعنی جامعهٔ بورژوازی، امپراتوری مرگ و بی‌ارزشی است.

وجه تمایز سه رمان مالرو - فاتحان<sup>۲۵</sup>، جادهٔ شاهی<sup>۲۶</sup> و سرنوشت بشر<sup>۲۷</sup> - از نخستین نوشته‌های غیررمانی او در آن است که نویسنده در این رمانها، ارزشهای مثبت، هر چند تردیدآمیز را بیان می‌دارد: «مالروی رمان‌نویس در فاصلهٔ میان فاتحان و سرنوشت بشر، کسی است که به ارزشهای جهانگستر - هر چند که تردیدآمیز و ناروشن هستند - باور دارد»<sup>۲۸</sup>. همانا اعتقاد و جست‌وجوی ارزشهای راستین است که فرم رمان قهرمان پروبلماتیک را امکان‌پذیر می‌سازد: «فاتحان و جادهٔ شاهی در مجموع در ردیف آخرین نمونه‌های عظیم رمان قهرمان پروبلماتیک جای می‌گیرند»<sup>۲۹</sup>. از آنجا که رمان روانشناختی (پرورش احساساتی<sup>۳۰</sup>، مادام بوواری<sup>۳۱</sup> اثر گوستاو فلوربر) در دورهٔ گذارِ حدِّ فرد دیگر امکان‌ناپذیر است، زندگی قهرمان ممکن نیست معنادار شود مگر در صورتی که به عملی تاریخی که از این زندگی فراتر می‌رود، روی آورد.

ارزشهای مثبت، و البته تردیدآمیزی که در منشأ آثار مالرو یافت می‌گردد، در چشم‌اندازی اجتماعی - تاریخی، با آشنایی با جنبش کمونیستی و پرولتاریایی توضیح داده می‌شود: «اِبه نظر ما چنین می‌نماید که آندره مالرو، همراه با ویکتور سرژ، یگانه نویسندگان نامداری هستند که انقلاب پرولتاریایی را یکی از عناصر ساختاری مهم آفرینشهای ادبی خویش کرده‌اند. در واقع در میان سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۳۹، مالرو یگانه رمان‌نویس بزرگ این انقلاب در فرانسه است. این امر، اهمیت آشنایی با ایدئولوژی کمونیستی را برای او نشان می‌دهد، آشنایی که آفرینش یک جهان رمانی حقیقی را برای او میسر ساخت. البته ایدئولوژی کمونیستی در ابتدا در نظر او بی‌تردید به صورت یگانه واقعیت راستین در جهانی که در حال فروپاشی بوده، نمودار شده است»<sup>۳۲</sup>.

قهرمانان دو رمان نخست - فاتحان و جاده شاهی - گارین<sup>۵۳</sup> و پرکن<sup>۵۴</sup>، در مقام افراد انقلابی و مردان عمل است که می‌توانند معنایی به زندگی خود بدهند. عمل تاریخی و انقلابی، آنان را از نیستی در امان نگاه می‌دارد: تا وقتی که این عمل ادامه دارد، معنای زندگی آنان تضمین شده است، اما «هنگامی که عمل انقلابی قطع گردد - در مورد گارین به سبب مرگ و در مورد بورودین<sup>۵۵</sup> به دلیل پیروزی حزبی که او عضو آن است - موجودیت آنها هرگونه معنایی را به کلی از دست خواهد داد»<sup>۵۶</sup>. در پایان این دو رمان، گارین و پرکن به رغم مرگ نزدیک خود، معنای زندگی را در عمل بازمی‌یابند؛ اما مرگ سرانجام همه چیز را با خود می‌برد و فعالان انقلابی در نیستی فرو می‌روند.

این نیستی که محدودیت همه اقدامهای فردی را بیان می‌کند، خاستگاه لذت جنسی و شهوترانی<sup>۵۷</sup>، یکی از کارمایه‌های اساسی جاده شاهی است: فرد منزوی و گسسته از هرگونه حیات جمعی، توانایی دوست داشتن و تصاحب زن را ندارد. پرکن به هنگام سرخوردگی از شهوترانی که در زندگی مرد عمل منزوی، نسخه بدل عشق است، می‌گوید: «شرط تصاحب، عشق است». عشق نیز امکان پذیر نیست مگر در دل جمع.

برگذشتن از فرد به سوی اتحاد انسانی، درونمایه اصلی سومین رمان مالرو - سرنوشت بشر - است که گلدمن آن را در درون ایدئولوژی کمونیستی به تروتسکیسم نزدیک می‌داند. این رمان «قهرمانی پروبلماتیک» دارد اما در مقام رمان‌گذار [میان رمان قهرمان پروبلماتیک و رمان بدون شخصیت] نه یک فرد، بلکه یک قهرمان پروبلماتیک جمعی را توصیف می‌کند: جمع انقلابیهای شانگهای که در داستان در وهله اول با سه شخصیت فردی: کیو<sup>۵۸</sup>، کاتو<sup>۵۹</sup> و مای<sup>۶۰</sup>... نمایانده می‌شود<sup>۶۱</sup>. در دل جمع راستین انقلابیها، نیستی فردی که رویاروی مرگ قرار گرفته، نیستی که در دو رمان پیشین با بیماری نشان داده می‌شود، سپری گشته است: «اگر هم بیماری وجود دارد به افراد مربوط نمی‌شود، بلکه دامنگیر جمع انقلابی می‌شود...»<sup>۶۲</sup>. این جمع «قهرمانی پروبلماتیک» است چرا که دست آخر قربانی انضباط حزبی می‌شود، قربانی انضباط تحمیلی انترناسیونال استالینی که خواستار سازش با چانگ کای - شک است.

برگذشتن از فرد به سوی اتحاد و اشتراک انسانی، پیامدی بسیار مهم برای زیبایی‌شناسی رمان دارد: عشق راستین میان کیو و مای را ممکن می‌سازد، عشقی که هیچ شباهتی با شهوترانی و لذت جنسی پرکن در جاده شاهی ندارد. «لذت جنسی و شهوترانی نیز همانند فرد، در یک اتحاد راستین و برتر یعنی اتحاد عشق ادغام شده و اعتلا یافته است»<sup>۶۳</sup>.

دو اثر بعدی، روزگار تحقیر<sup>۶۴</sup> و امید<sup>۶۵</sup> به این دلیل از دو اثر پیشین متمایز می‌شوند که نویسنده، ایدئولوژی کمونیستی را «بی‌قید و شرط» می‌پذیرد. پیامد این نگرش، محو قهرمان پروبلماتیک (جمعی و فردی) و نیز جایگزینی یک صورت حماسی - غنایی با صورت رمان است: «به نظر ما در عرصه صورت ادبی، ناپدید شدن قهرمان پروبلماتیک طبعاً کنار گذاشتن

ساختار حقیقتاً رمانی را در پی دارد؛ به این ترتیب، عصر تحقیر و امید، دیگر رمان به معنای دقیق کلمه نیستند، بلکه صورتهای حد واسط میان حماسه و تغزلند»<sup>۶۶</sup>. با پذیرش بی‌قید و شرط کمونیسیم، گسست رمانی میان قهرمان و جهان محو می‌شود. با وجود این، آشتی با جهان صرفاً مفروض است و این امر - به نظر گلدمن - جنبه‌های غنایی این آثار را نشان می‌دهد.

مالرو پس از روگرداندن از کمونیسیم رسمی «که در واقع جز ایدئولوژی یک دولت نیست» گردوبنهای آلتنبورگ<sup>۶۷</sup> را می‌نویسد. این اثر در میان آفرینش ادبی و تفکر مفهومی<sup>۶۸</sup> قرار می‌گیرد. نویسنده آن «فردی است که پندارزدایی خویش را روایت می‌کند و هنوز در جست‌وجوی پایه و اساسی برای اعتقاد خویش به انسان است»<sup>۶۹</sup>. اما همین جست‌وجو - که دیگر کم‌رمق گشته - گویی در صداهای سکوت<sup>۷۰</sup>، جایی که در آن «هر گونه مفهوم ارزش جهانگستر به کلی ناپدید گشته»<sup>۷۱</sup> کنار گذاشته شده است.

پس از دوره گذرای حذف فرد و قهرمان، دوره سرمایه‌داری سازمانیافته فرامی‌رسد که با شیء‌وارگی<sup>۷۲</sup> همه‌جانبه و با فروکاستن فرد به شیء مشخص می‌گردد. بر خلاف ناتالی ساروت که آثارش هنوز به دوره حذف قهرمان تعلق دارد، رُب - گری به جهان را آن گونه که هست نشان ما می‌دهد: جهانی بدون فرد که در آن، ساخت‌وکارهای تنظیم خودکار نظام اجتماعی - اقتصادی جایگزین ابتکارهای افراد و گروه‌ها شده است. رمان رُب - گری به، رمان غیبت قهرمان است. شیء جایگزین قهرمان شده است: «در نظر رُب - گری به نیز محو شخصیت دیگر یک عمل انجام شده است، اما وی نشان می‌دهد که جای این شخصیت را واقعیت مستقل دیگری (که مورد توجه ناتالی ساروت نیست) گرفته است: دنیای شیء‌واره اشیا»<sup>۷۳</sup>.

در پاک کنها<sup>۷۴</sup> یک سازمان انقلابی مخفی در صدد برمی‌آید که هر روز یک نفر را از میان ببرد. روزی اقدام برای قتل فردی به نام دانیل دوپون<sup>۷۵</sup> دست بر قضا شکست می‌خورد و دوپون برای اینکه مدتی از پیگرد دشمنانش در امان بماند، خود را به مردن می‌زند. اما هیچ چیزی از دستگاه تنظیم خودکار در امان نیست. همان کارآگاهی که برای حمایت از فرد به دام افتاده اعزام شده است، مرتکب اشتباهی می‌شود و فرد تحت حمایت خود را می‌کشد. گلدمن در تفسیر خود می‌نویسد: «محتوای این اثر در واقع همان ضرورت ماشینی و گریزناپذیری است که در جهان هم بر مناسبات میان انسانها حاکم است و هم بر مناسبات میان انسانها و اشیاء و این جهان نیز، خود به ماشینی جدید شباهت دارد که به مکانیسمهای تنظیم خودکار مجهز شده است»<sup>۷۶</sup>. این دستگاه‌ها انسان را به انفعال محکوم می‌کنند.

در تماشاگر<sup>۷۷</sup>، این انفعال افراد در جامعه دستکاری شده نمودار می‌شود: آنان در برابر قتل یک انسان بی‌اعتنا باقی می‌مانند. قتل در ردیف اشیاء جای می‌گیرد. ذهنیت‌یابی اشیا (آن روی سکه شیء‌وارگی) در حسادت<sup>۷۸</sup> به نقطه اوج خود می‌رسد و در این رمان، سیر توالی زمان همراه با قهرمان رمان، ناپدید می‌شود: «چهار فصل از هفت فصل کتاب حسادت با واژه «حالا» شروع

رابطه‌ای مستقیم که گلدمن به گمان خود می‌تواند میان رمان نو و واقعیت اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری سازمانی برقرار سازد به نظر ما این واقعیت را بیش از حد ساده می‌کند. با استنتاج بی‌واسطه ساختار رمان نو از ساختار نظام اقتصادی، با نادیده گرفتن تمام میانجهایی<sup>۸۰</sup> که به نظر ما ضروری هستند (گروه‌های اجتماعی) نمی‌توان این پدیده زیبایی شناختی نو را به عنوان آفریده یک وضعیت اجتماعی - تاریخی ویژه درک کرد. چرا رمان نو به جای آنکه در انگلستان، آمریکا یا آلمان - کشورهای که ساخت‌وکارهای تنظیم خودکار در آنها سریعتر از فرانسه رشد کرده‌اند - به وجود آید، در فرانسه، در پاریس زاده گشت؟ این یکی از پرسشهایی است که نظریه ارائه شده در جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)، بی‌پاسخ باقی می‌گذارد.



### یادداشت‌ها:

※ نویسنده این مقاله، پی.یر. و. زیما (Pierre. V. Zima) در ۱۹۴۶ در پراگ زاده شده و از شاگردان قدیمی لوسین گلدمن و ژان کاسو (Jean Cassou) است. پس از گذراندن رشته‌های جامعه‌شناسی و ادبیات در دانشگاه ادیمبورگ، در آگول پراتیک (E. P. H. E.) به دریافت دکترا در جامعه‌شناسی ادبیات نائل آمده و کتابی نیز دربارهٔ مارسل پروست نوشته است:

(Le Désir du mythe- une lecture sociologique de M. Proust, Paris, Nizet, 1973).

او با نشریه‌های (Lettres Nouvelles) و (Quinzaine Littéraire) همکاری دارد. از ۱۹۷۲ در دانشگاه بیلفلد (Bielefeld) جامعه‌شناسی ادبیات را تدریس می‌کند. مقاله فوق ترجمه بخشی از کتابی است که زیما در بررسی اندیشه و آثار گلدمن نوشته است و از مهمترین منابع برای شناخت اندیشه‌های گلدمن محسوب می‌شود. عنوان این مقاله از مترجم و منبع ترجمه عبارت است از:

Pierre. V. Zima, *Goldmann- Dialectique de L'immanence*, Editions Universitaires, Paris, 1973,

pp. 112-21.

1. Communauté.
2. individualiste.
3. sens.
4. néant.

5. inessentialité.
6. intériorité.
7. authentique.
8. dualisme.
9. valeur d'usage.
10. dégradé.

۱۱. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۴۷.

12. valeur d'échange.
13. réification.
14. problématique.
15. démoniaque.

۱۶. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۳۶.

۱۷. Julien Sorel، قهرمان رمان سرخ و سیاه اثر استاندال.

18. conscience collective.
19. Transindividuelles.

۲۰. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۵۲.

21. conscience possible.

۲۲. همان‌جا، ص ۴۴.

23. structuralisme génétique.

24. esthétique négative.

۲۵. Adorno، فیلسوف آلمانی (۱۹۰۳ - ۱۹۶۹) از بنیانگذاران «مکتب فرانکفورت».

26. Statthalter.

۲۷. dialectique immanent، اصطلاحی است که زیما برای معرفی روش گلدمن به کار می‌برد و آن را معادل دیالکتیک انضمامی (کنکرت) می‌داند که از فیلسوف معروف چکسلواکی، کارل کوزیک به وام گرفته است. عبارت «دیالکتیک امر انضمامی» را کارل کوزیک در فلسفه رایج کرده است (مراجعه شود به کتاب معروف: Karel Kosik, La dialectique du concret, François Maspero, Paris, 1978.

در اندیشه کوزیک، این عبارت بدین معناست که تعریف انضمامی پدیده‌ها، تعریفی است که آنها را در کلیت تعیین‌ایشان دریابد.

۲۸. در این باره مراجعه شود به مقاله ژان کوت (J. Kott) در:

Marxistische Literatur Kritik, (Hsg. V. Zmegac).

29. Sujet transindividuel.

30. Laissez faire.





32. mécanisme.

33. auto-regulation.

34. manipulé.

۳۵. Joyce، نویسنده ایرلندی (۱۸۸۲ - ۱۹۴۱) رمان معروف یولیسز شاهکار اوست.

۳۶. Musil، نویسنده اتریشی (۱۸۸۰ - ۱۹۴۰).

۳۷. Nathalie Sarraute، نویسنده معاصر فرانسوی‌زبان، زاده روسیه (۱۹۰۲) از نمایندگان و نظریه‌پردازان رمان نو.

38. Nouveau Roman.

۳۹. Robbe-Grillet، نویسنده معاصر فرانسوی، از نمایندگان برجسته رمان نو.

40. Royaume farfelu.

41. idéologique.

42. La Tentation de L'Occident.

43. Lunes en papier.

۴۴. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۷۷.

46. Conquétrants.

46. La Voie royale.

47. La Condition humaine.

۴۸. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۸۴.

۴۹. همانجا، ص ۸۷.

50. Education sentimentale.

51. Madame Bovary.

۵۲. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۹۸.

53. Garine.

54. Perken.

55. Borodine.

۵۶. همانجا، ص ۱۰۶.

57. érotisme.

58. Kyo.

59. Katow.

60. May.

۶۱. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۱۵۹.

۶۲. همانجا، ص ۱۷۵.

۶۳. همانجا، ص ۱۷۶.

64. Le Temps du mepris.

65. L'Espoir.

۶۶. همانجا، ص ۱۹۸.

67. Les Noyers de l'Altenburg.

68. reflexion conceptuelle.

۶۹. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۸۴.

70. Les voix du silence.

۷۱. همانجا، ص ۲۷۱.

72. réification.

۷۳. همانجا، ص ۳۰۲.

74. Gommés.

75. Daniel Dupont.

۷۶. جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۳۰۷.

77. Le Voyeur.

78. Jalousie.

۷۹. همانجا، ص ۳۲۰.

80. Médiation.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

منتشر می‌شود

زندگی

(مجموعه داستان)

ابراهیم رهبر